

# نشریه کارگری پویا

شماره چهاردهم

7 مهر ماه 1386



کمیته کارگران پویا

درباره ما

ما کمیته کارگری پویا در روز جهانی کارگر و همزمان با اعتراضات و خیزشهای کارگران میهنان در سراسر کشور و بدلیل ویم تر شدن وضعیت معیشتی کارگران، عدم امنیت شغلی و اخراجهای بی رویه فعالین کارگر، تصمیم به تشکیل یک کمیته کارگری گرفتیم تا در راستای حمایت و پشتیبانی از این اعتراضات و اعتصابات، فعالین میهنان را شروع کنیم. این نشریه در حقیقت بیان واقعینهای جامعه کارگری ما میباشد.

ما فعالیت هایمان را در این استانها آغاز کرده ایم: استان گلستان، مازندران، گیلان، خراسان، فارس، اصفهان، کرمان و بزد.

از هر کس که به ما در این زمینه کوچکترین کمک و باری ای برساند نهایت تقدیر و سپاس را داریم و نیازمند اخبار، گزارشات و پیشنهادات شما هستیم.

## فهرست مطالب :

- 1 بحران نساجی های کشور
- 2 عرق کارگر شرف کارگر است
- 3 پای درد دل کارگران نساجی ها
- 4 اخبار

همکاران ما : خانم ها سارا سعیدی , پگاه اسکویی , بهاره مقدم و آقای منصور رضایی

نشانی ایمیل :

[kargaran\\_pooya@yahoo.com](mailto:kargaran_pooya@yahoo.com)

## اطلاعیه

درد بر کارگران دلیر هفت تپه که برای خواسته های به حق خود از پا نمی نشینند .

18 مهر روز جهانی علیه اعدام



دوستان و یاران گرامی کمیته کارگری پویا نشریه آینده به روز جهانی علیه اعدام اختصاص دارد و از شما هم میخواهیم که مقالات یا گزارشات و فیلم ها و عکسهای را که در این مورد در اختیار دارید برای همبستگی با ما در این روز برایمان ارسال کنید بیشترین انعکاس و فعالیت را داشته باشیم و این روز را هرچه بیشتر گرامی داشته تا جلوی این احکام غیر انسانی گرفته شود .



هموطنان 3000 نفر از کارگران دلیر هفت تپه طی این چند روز با شعارهای "معیشت و زندگی حق مسلم ماست" و "کارگر هفته تپه گرسنه است گرسنه" به سمت فرمانداری به حرکت در آمدند.

دولت تا جایی که توانست سعی کرد که کارگران دلیر هفت تپه را پراکنده کند ولی توانست کاری از پیش ببرد و کارگران با عزم بیشتر به تظاهرات خود ادامه دادند.

کارگران از هشت صبح به سمت فرمانداری به حرکت درآمدند. ولی نیروی ویژه با استفاده از باتوم میخواست مانع حرکت کارگران بشود اما تعداد کارگران لحظه به لحظه بیشتر میشد. مردم شهر هم ابراز همدردی میکردند ولی دولت مانع از پیوستن آنان به تجمع کارگران مقاوم شد . کارگران قصد دارند تا رسیدن به خواسته های به حق خود به اعتراضات خود ادامه بدهند و از پای نشینند .

هموطنان

کمیته کارگران پویا ضمن حمایت از کارگران غیور و زحمتکش میهن، از کلیه کارگران کارخانه ها بخصوص کارخانه های قند کشور میخواهد که برای رسیدن به اولیه ترین حقوق و خواسته های به حق خود مانند کارگران هفت تپه دست به اعتراض بزنند و کارگران دلیر هفت تپه را یاری کنند.

درد بر کارگران دلیر و مقاوم هفت تپه

امنیت مشاغل حق مسلم ماست

کمیته کارگران پویا .

زندگی شایسته حق مسلم هر ایران است .

کمیته کارگری پویا

# نشریه کارگری پویا

7 مهر ماه 1386

شماره چهاردهم



کمیته کارگران پویا

نگاه حسرت بار دانش آموزان بی کیف و کفش یا غم ناداری پدران و مادران کارگر

بعضی از کارگرها هستند که حقوق های پارسالشان رو هم هنوز دریافت نکرده اند چه برسه به حقوق و مزایا و ... برای اول مهر . کارگران اینجا شش ماهی که بیکار هستند را کارگری میکنند و اغلب مردم بیچاره ای هستند و بلحاظ مالی اینجا واقعا مشکل دارند و فقط خرج خورد و خوراکشون و میتونند در بیاورند و توی یک روستا یا باید کارگری بکنند و یا در همین حد که بتوانند خرج زن و بچه اش را در بیاورند کلاهشون را باید بیاندازن بالا ، اگر بتونند مدرسه بفرستند که جای شکرش باقیه ، دانشگاه رفتن بچه هاشون که دیگه فیها .

اینجا هیئت مدیره و .. اصلا به مسائل مزایا و ... برای اول مهر و ... کارگران کاری ندارند و اگر میخواستند در نظر بگیرند اول حقوق معوقه کارگران را میدادند.

کارگر کارخانه سلك باف یزد :

با این حقوق و وضعیت مگه میشه بچه به مدرسه فرستاد ، مدرسه کیف میخواد کفش میخواد ، دفتر و کتاب میخواد ، کسی هم که کمک نمیکند مساعده و .. هم که نمیدن ، البته بعضی کارخانه ها بسته به کارفرماشون یک سری امتیازاتی میدن اما کارخانه ما که نمیده و کارگرها مجبورن بچه هاشون رو از درس خوندن بیاندازن خصوصا سر دانشگاه . من خودم دوتا بچه ام امسال دانشگاه آزاد قبول شدن ، اما من با این حقوق کارگری مگه میتونم اونها رو به دانشگاه بفرستم ، دانشگاه سراسری هم که با این سهمیه بندی ها بچه های ما فقیر بیچاره های کارگر نمیتونن برن ، از قشر کارگر آگه حمایت میشد بچه های ما هم میتونستن به دانشگاه برن ، سر سرویس برای بچه های مدرسه ای به خاطر گرونی و جیره بندی بنزین ما خیلی مشکل داریم ، هر ماه باید 30-40 هزار تومن برای سرویس بدیم و سالانه حدود 300-400 هزار تومن میشه . این مال یک دانش آموزه ، همین رو در چند فرزند آگه ضرب کنین میتونین بفهمین که یک کارگر با چند سر عائله چه سختی و مشکلاتی داره اون هم با این حقوق ها که خرج نون بخور و نمیر رو هم نمیده .

**در مورد راه حل:** بهتره که دولتی که اینهمه ادعای مهرورزی و عدالت گسترده داره یک برنامه با پشتوانه و طولانی مدتی بده که طبق اون هر سال برای کارگران به مناسبت بازگشایی مدارس امکانات و سوبسید هایی برای خرید دفتر و کتاب و شهریه و ... در نظر گرفته بشه و همین طور مبلغی هم به حقوق ها اضافه بشه تا فرزندان ما کارگران هم با لیبی خندان و شور و اشتیاق به مدرسه بروند و شرمگین کفش و کیف و ... کهنه خود نباشند و ما پدران و مادران هم نگران و شرمنده نداشتن پول برای تامین امکانات اونها نباشیم و سال تحصیلی رو همه با شادی شروع کنیم .

بگاه اسکویی خبرنگار کمیته کارگری پویا



باز هم بازگشایی مدارس و از طرفی شادی معصومانه و در عین حال کودکانه محصلانی که با شور و علاقه راهی مدارس میشوند در بعضی شور و در بعضی غم و درد را تداعی میکنند . می گویند چرا غم و درد : بگذارید به میان کارگران برویم و پای درد دل آنها بنشینیم تا پشت این خنده ها و شادی ها درد و راز نهان دل پدران و مادران را بهم ببینیم و بعد هم درمان این درد را از خود این عزیزان جویا شویم .

از کارخانه قند نیشابور شروع میکنیم : کارگر کارخانه قند نیشابور-

این حقوقی که به ما میدن کفاف کار و زندگی ما رو نمیکند . کلی مشکل داریم از مسکن گرفته تا همین بازشدن مدارس و خرج و مخارج اون ، سر هزینه مسکن که با این حقوقی که به ما میدن اصلا کفایت نمیکند . باید یک فکری بکنند که آینده خوبی داشته باشیم . ما با مشکلات زیادی زندگی میکنیم . هر کدوم دو تا سه تا فرزند داریم . خرج دو تافزند را فقط میشه با این حقوق مهیا کرد ، بقیه اش را چکار کنیم . دفترچه بیمه هم که نمیدن بقیه اش را چکار کنیم از بیمه درمانی گرفته تا همین تحصیل ؟

الان اصلا راجع به قضیه اول مهر هیچی به ما نمیدن اگر همین دفتر و قلم و لباس و اینه را حساب کنیم سر به ... میزنه . قیمتها سرسام آورده ، نمیتونیم خرج یک بچه مدرسه رو را تهیه کنیم اگر چند تا داشته باشیم که دیگه معلوم نیست باید چکار کنیم؟

الان همین الان حقوق دو ماه رو به ما ندادن . برای مخارج اول مهر و رفتن بچه ها به مدرسه هم باید ببینیم که چطوری میتونیم با کارفرما به توافق برسیم . اگر اون کمک کرد که میشه یک چیزی اما اگر نکرد هیچی دیگه **اینه وضع بچه های ما کارگر جماعت .**

کارگر کارخانه قند بیرجند :



حقوق های بچه ها پایین است و هر سه چهار ماه یکبار حقوق ها رو میریزند ، اول مهر هم چون تعداد زیادی از کارگرها فصلی

هستند و با اینکه زن و بچه دارند شش ماه از سال بیشتر کار نمیکند پس برای خرید لوازم التحریر و ایاب و ذهاب بچه هاشون دارای مشکلات زیادی هستند .

# نشریه کارگری پویا

شماره چهاردهم

7 مهر ماه 1386



همیشه کارگران پویا

## مدرسه و کودکان کار آجرپزی



در 12 کیلومتری شهرری، نزدیک پایتخت، خانواده هایی زندگی می کنند که تنها تفریح فرزندان آنها بازی در کنار کوره پزخانه ها است. پدران و مادران آنها صبح تا شام در کوره های آجرپزی کار می کنند تا مصالح برای ساختن خانه ها و برجهایی را فراهم کنند که ساکنان آنان حتی لحظه ای تصور مشقت این کارگران و خانواده هایشان را ندارند.

سرپناه این کارگران اتاق های پنج تا شش متری و آشپزخانه آنها فضای باز و خاکی کوره پزخانه ها است، این خانه های کوچک چنان هستند که هر لحظه امکان ریزش آنها وجود دارد.

کودکان این کارگران با لباسهای مندرس و در محیطی کثیف و آلوده بدون توجه به خطرات هر روز در کنار کوره های آجرپزی به بازی می پردازند.

در اینجا اثری از حداقل امکانات برای گذراندن زندگی و وسایل برای بازیهای کودکان به چشم نمی خورد.

کودکان در این کوره ها شاهد تلاش جمعی خانواده هایشان برای به دست آوردن لقمه ای نان و آجرهایی هستند که با زحمات آنان روی هم چیده می شود.



پدران و مادران بسیاری از این کودکان هر دو با هم در این کوره ها کار می کنند و فرصتی برای رسیدگی و مراقبت از کودکان خود ندارند.

رامین یکی از این کودکان است که 9 بهار را پشت سر گذاشته، او با چهره نمکین اما خاکی و پای برهنه در کنار کوره ها بازی می کند. وی می گوید: ما هر روز با دوستانمان برای بازی به نزدیکی این کوره ها و گاهی نیز به داخل آن ها می رویم.

از او می پرسیم اگر ناگهان کارگر آجرپزی متوجه حضور شما در این کوره ها نشود و در کوره را گل بگیرد تو چه می کنی و او در پاسخ و با زبان کودکانه و خنده می گوید: تا به حال چندین بار این اتفاق افتاده و من توانستم نجات پیدا کنم.

در کنار رامین دخترکی ایستاده که با دستان کوچکش به خانه هایی در دوردست اشاره می کند، او می گوید: ای کاش یکی از این خانه ها برای ما بود.

مریم یکی از آرزوهایش رفتن به مدرسه است، او دوست دارد درس بخواند و در آینده با انتخاب شغلی مناسب، برای خودش کسی شود، اما نمی داند که با وضعیت کنونی

پدرش آیا می تواند

به مدرسه برود یا نه

محمد 11 ساله که در

جمع دوستانش از همه

بزرگ تر است می گوید:

به علت وضعیت نامناسب

اقتصادی پدرم، از ادامه

تحصیل صرف نظر کردم.

وی گفت: با کار کردن در

این کوره پزخانه ها کمک

حال خانواده ام شده ام و

در امرار معاش به پدرم کمک می کنم.

صدیقه مادر محمد می گوید: ساکنان اطراف این آجرپزی در نهایت فقر زندگی می کنند و برای امرار معاش مجبور هستند در این آجرپزیها کار کنند.

وی که هفت ماه اول سال را در تهران و در این کوره آجرپزی کار می کند و بقیه

ماههای سال را به روستای خود باز می گردد، می افزاید: در روز آن قدر سرگرم کار

کردن هستیم که نمی توانیم به فرزندانمان توجه کافی داشته باشیم.

صدیقه اظهار داشت: ما پول کافی برای فرستادن فرزندانمان به مدارس و مراکز تفریحی نداریم و آنان مجبورند برای بازی به اطراف کوره های آجرپزی بروند.

محمد اربابی که از اهالی اطراف مشهد است و هفت ماه از سال را برای کار در این کوره ها به تهران می آید، می گوید: برای گذران زندگی مجبور هستیم سخت کار

کنیم.

بخشداد کهریزک درباره رسیدگی به وضعیت این افراد به خبرنگار ایرنا گفت: وضعیت

زندگی و بهداشت ساکنان اطراف این کوره ها به بخشداري مربوط نمی شود و شبکه بهداشت و درمان موظف به پیگیری این مسائل است.

حیدر صادقی افزود: بخشداري تنها از نظر سیاسی مسئولیت منطقه را برعهده دارد و ایمنی این کوره ها به اداره کار و امور اجتماعی شهرستان ری مربوط می شود.

رئیس اداره کار و امور اجتماعی شهرستان ری گفت: رعایت موارد ایمنی در مورد کارگر و کارفرما، رعایت قوانین کارگر و کارفرما برعهده اداره کار و امور اجتماعی شهرستان ری است.

مهدي رفیعی افزود: اینکه کودکي به داخل کوره ها برود یا نرود به ما مربوط نمی شود و این برعهده کارفرما است و باید نظارت کافی داشته باشد.

رئیس شبکه بهداشت و درمان شهرستان ری گفت: افراد ساکن در کنار کوره های آجرپزی توسط نیروهای بهداشتی ما کنترل می شوند.

علیرضا امینی منش افزود: بیشتر ساکنان اطراف این کوره ها را کارگران فصلی تشکیل می دهند که ساکن دائم نیستند، ما بارها اعلام کردیم که افرادی که در اینجا زندگی می کنند باید جمع آوری شوند، زیرا در وضعیت نامناسبی بسر می برند.

کوره های آجرپزی محمودآباد در 15 کیلومتری جنوب شرق تهران و 12 کیلومتری شهرستان ری قرار دارد که زیر مجموعه بخش کهریزک محسوب می شود»



# نشریه کارگری پویا

شماره چهاردهم

7 مهر ماه 1386



تمینه کارگران پویا

## شعر

معلم پای تخته داد میزد  
صورتش از خشم گلگون بود  
و دستانش به زیر پوششی از گرد پنهان بود  
ولی آخرکلاسی ها ،  
لواشک بین خود تقسیم میکردند  
وان یک درگوشه ای دیگر جوانان را ورق میزد  
برای آن که بی خود های و هو میکرد و با آن شور بی  
پایان

تساوی های جبری را نشان میداد  
معلم با خطی خوانا ، بروی تخته ای کز ظلمتی تاریک  
غمگین بود  
تساوی را چنین نوشت :

یک با یک برابر است  
از میان جمع شاگردان یکی برخواست  
**همیشه یک نفر باید به پا خیزد**  
و به آرامی سخن سر داد :

## تساوی اشتباهی فاحش و محض است

نگاه بچه ها ناگه به یک سو خیره گشت و معلم مات بر جا ماند  
و او پرسید: اگر یک فرد انسان واحدیک بود ، آیا باز یک با یک برابر بود ؟  
معلم خشمگین فریاد زد: آری برابر بود  
و او با پوز خندی گفت : اگر یک فرد انسان واحد یک بود  
آنکه صورت نقره گون چون مه میداشت بالا بود وان سیه چرده که می نالید پایین بود  
اگر یک فرد انسان واحد یک بود  
آن که قلبی پاک و دستنی فاقد زر داشت پایین بود وانکه صدها کیسه از سیم و زر و الماس پر میکرد  
بالا بود ، حال باز میبرسم  
اگر یک فرد انسان واحد یک بود  
پس چه کس دیوار چین را بنامیکرد ؟  
یا که پشتش زیر بار فقر خم میشد  
یا که زیر ضربه شلاق له میکشت  
یا چه کس آزادگان را در قفس میکرد ؟  
سکوتی سخت حاکم شد  
معلم گفت : بچه ها در جزوه های خویش بنویسید  
**یک با یک برابر نیست....**

